

سید مهدی ذاکریان؛ پرونده هسته‌ای نتیجه اجماع پنج قدرت است

منطقه در حالی با افزایش تنش‌ها در غزه، ناامنی در دریای سرخ و کشمکش بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دست‌وپنجه‌نرم می‌کند که این تماس‌ها بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر دیپلماتیک برای حفظ ثبات و یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز در پرونده هسته‌ای ایران تلقی می‌شود.
آنطور که رسانه‌ها از محور اصلی این گفت‌وگوها نوشتند، گفت‌وگوها در مسیر احیای مذاکرات دیپلماتیک و تقویت همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب توافق بود که در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در قاهره میان نمایندگان ایران و آژانس به امضا رسیده بود.
عبدالعالی در این تماس‌ها بر لزوم گفت‌وگوها میان همه طرف‌های ذی‌ربط، از قدرت‌های غربی تا کشورهای عربی تأکید کرد و خواستار حفظ فضای تعامل و گفت‌وگو برای جلوگیری از هرگونه تشدید تنش نظامی شد.

▲ **ایران، متحدی ندارد**

یک تحلیلگر سیاست خارجی اظهار داشت: ایران باید تکلیف خود را با نظم جهانی مشخص کند؛ آیا قصد دارد آن را تغییر دهد یا در چارچوب آن توانمند شود؟ مهدی ذاکریان با اشاره به فضای کلی پیام‌های مخابره شده اخیر گفت: کشورهای غربی و قدرت‌های جهانی در واقع به ایران این پیام را می‌دهند که یا باید از طریق مذاکره شرایط ما را بپذیرد، یا با جنگ روبه‌رو خواهید شد. همه صحبت‌ها در این چارچوب است؛ یعنی یا توافق بر سر پذیرش محدودیت‌ها، یا ورود به تقابل نظامی. وی افزود: واسطه‌ها و میانجی‌گران در این روند نیز در مسیر خواسته‌های قدرت‌های بزرگ قرار دارند: آمریکا، روسیه، چین و دیگر قدرت‌های جهانی. پیرش اصلی برای ایران این است که آیا می‌تواند نظم جهانی را تغییر دهد یا خیر؟ این مهم‌ترین سؤال سیاست خارجی ایران است. این استاد دانشگاه

یادآور شد: تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران حاصل تصمیم همان پنج کشور دائم شورای امنیت است: آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا. اگر این پنج کشور با هم به توافق نمی‌رسیدند، اصلاً پرونده هسته‌ای ایران شکل نمی‌گرفت. بنابراین، ایران باید بداند که در برابر یک اجماع جهانی ایستاده است، نه صرفاً در برابر غرب. وی افزود: پس از پاسخ به پرسش نخست، ایران باید بررسی کند که آیا در همین نظم تحمیلی جهانی می‌تواند قدرتمند و توانمند شود یا خیر. یعنی آیا می‌تواند در چارچوب این نظم، فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک خود را پیش ببرد. ذاکریان در ادامه با انتقاد از رویکرد سیاست خارجی ایران گفت: مشکل اصلی این است که ایران در درجه اول اسیر توهم است. می‌گوید آمریکا و اسرائیل را شکست داد، در حالی‌که نتیجه چنین ذهنیتی این شده که امروز کشور با بحران آب، محبط زیست و مشروعبت مردمی روبه‌روست. چون به پرسش‌های اصلی سیاست خارجی پاسخ علمی و منطقی داده نشده است. ذاکریان ادامه داد: در نتیجه ایران نه در سطح بین‌المللی متحدی دارد و نه در منطقه از حمایت جدی برخوردار است. نه مصر، نه کشورهای همسایه و نه حتی نهادهای چندجانبه بین‌المللی مانند آژانس انرژی اتمی، هیچ‌کدام در کنار ایران نمی‌ایستند یا نمی‌گویند با وجود تحریم‌ها ما با ایران همکاری می‌کنیم. وی عنوان کرد: اگر ایران بخواهد شرایط خود را تغییر دهد، باید به مردم و همکاری با جهان باگردد. او با اشاره به تجربه کشورهای دیگر گفت: ببینید زاین بعد از جنگ جهانی دوم چه کرد؟ آلمان چه کرد؟ کشورهایی که در جنگ شکست خوردند، با همکاری بین‌المللی و بازسازی درون‌زا پیش رفتند. حتی چین، که رقیب سیاسی سرسختی برای آمریکا بود، به توافق‌های اقتصادی و تجاری با واشنگتن دست یافت. ذاکریان با اشاره به رابطه ایران و چین عنوان کرد: ایران معاهده راهبردی طولانی‌مدتی با چین دارد. اما باید دید این رابطه واقعا به معنایی دارد. آیا چین در توافق تجاری خود با آمریکا حتی یک بار نام ایران را مطرح کرده است؟ خیر. چینی‌ها دنبال منافع خودشان هستند. وی افزود: در اختلاف میان ایران و عربستان، چین میانجی‌گری کرد چون حفظ امنیت نفتکش‌ها و مسیرهای تجاری‌اش در خلیج فارس و دریای سرخ برایش اهمیت داشت. اما حالا چرا در پرونده ایران و آمریکا ورود نمی‌کند؟ چون نفعی ندارد. چین از تحریم ایران سود می‌برد؛ نفت ایران را ارزان می‌خرد و در مقادیر کالاهای بی‌کیفیت می‌دهد. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل بیان کرد: عده‌ای هنوز می‌گویند ایران از زمان مصدق نفتش را ملی کرده است. سؤال من این است که آیا امروز نفت ایران واقعا ملی است؟ امروز چند کشور از جمله چین، روسیه و هند، نفت ایران را نه تنها مفت می‌خرند بلکه حتی پولش را هم نمی‌دهند و به جایش کالاهای بی‌نجل می‌فرستند. وی اضافه کرد: در دوره قاجار، حتی انگلیسی‌ها گاهی برای منافع خود با فرانسه یا روسیه درگیری می‌شدند تا امتیاز بیشتری بگیرند. امروز آمریکا برای ایران با چه کشوری درگیری شده است؟ با آمریکا؟ با فرانسه؟ با روسیه؟ هیچ‌کدام. چون اساساً منافعتش در گرو حفظ وضع موجود است، نه دفاع از ایران.

ذاکریان تأکید کرد: تا زمانی که ایران با جهانی ناسازگاری دارد و سیاست خارجی خود را بر پایه دشمن‌محوری می‌گذارد، نمی‌تواند از فرصت‌های جهانی بهره‌برد. با رگشت به مردم، واقع‌گرایی و تعامل هوشمندانه با قدرت‌های جهانی تنها راه خروج از وضعیت کنونی است.

الهام فخاری در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

جای خالی روان‌شناسی سیاستمداران در ایران



به یک برنامه اقدام جامع بهداشت روان نیاز داریم

ناآرامی اقتصادی به بهداشت روان جامعه آسیب می‌زند

پایش ملی بهداشت روان در برنامه ملی گنجانده شود



بهره‌وری، افزایش خشونت، فروپاشی روابط انسانی و حتی بحران‌های اجتماعی منجر شود. به همین دلیل، پرداختن به آموزش، پیشگیری و درمان مشکلات روانی، ضرورتی ملی و نه انتخابی فردی است. همچنین ارتقای سلامت روان، نیازمند همکاری همگانی است؛ از خانواده و مدرسه گرفته تا رسانه، سازمان‌های مدنی و نظام سلامت. متخصصان این حوزه تأکید دارند جامعه‌ای که سلامت روان را جدی بگیرد، انسان‌هایی آرام‌تر، مسئول‌تر و سازنده‌تر پرورش می‌دهد و مسیر توسعه انسانی و اجتماعی را هموار می‌سازد. در این مورد که جامعه ایران چه وضعیتی دارد و حاکمیت و مجموعه جامعه مدنی چه مسیری را برای بهبود این شرایط باید طی کنند با الهام فخاری، روانشناس و نماینده ادوار شورای شهر پایتخت مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم. او معتقد است برای ارتقای سطح روانی جامعه باید «پایش ملی بهداشت روان» را در دستور کار قرار دهیم. در این مورد بیشتر می‌خوانید.

آرمان ملی – سیایش پورعلی: آنچه «سلامت روان» نام دارد از بنیادی‌ترین ارکان سلامت انسان و جوامع از گذشته تا اکنون است. جامعه‌ای که از نظر روانی سالم باشد، از انسجام، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و امید بیشتری برخوردار است و در مسیر توسعه پایدار حرکت می‌کند. سلامت روان تنها به نبود بیماری‌های روانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل احساس رضایت از زندگی، توانایی سازگاری با چالش‌ها، حفظ روابط سالم و برخورد‌های خردمندانه با هیجانات نیز می‌شود. در واقع باید اینگونه گفت که سلامت روان به معنای توان زیستن و شکوفایی در برابر فشارهای روزمره است. هرچند از گذشته بر حفظ آرامش درونی تأکید شده است به خصوص در ادبیات فارسی بر آرامش روان تأکید شده است ولی در جهان پرشتاب و پرتنش امروز، عواملی چون استرس‌های اقتصادی و اجتماعی، ناامنی شغلی، بحران‌های خانوادگی و تعارض‌های فرهنگی، تهدیدهای جدی برای سلامت روان شهروندان به شمار می‌روند. غفلت از آن می‌تواند به کاهش

▲ **در ابتدا از این سوال شروع کنیم که در مورد اهمیت**

مراقبت‌های روانی چه چیز را باید بیشتر برای مخاطبان و در واقع نوجوانان برجسته‌تر کنیم؟

بهرتر است ابتدا درباره چیستی روان و نه روح و رابطه میان تن و روان بیشتر بدانیم. چون روح، مفهومی فرامادی و در گستره دیگری است که به این گفت‌وگو ارتباطی ندارد. کم و بیش چیستی تن و بدن از آن رو که بدن دیدنی و ملمس‌کردنی و دارای هستی بیرونی و فیزیکی است برای همگان آشکار و گفتن از بهداشت یا بیماری تن روشن است چنان که در ادوار اخیر آنچه درمان می‌نامیم اهمیت بیشتری پیدا کرده است. تن آدمی یک پل یکپارچه و دربردارنده اندام‌ها، دستگاه‌ها، بافت‌ها و دارای کارکرد‌ها و توانایی‌هایی است. رنگ و شادابی پوست و مو، بزرگی یا کوچکی اندام‌ها، حرکت، هماهنگی و تعادل در تن نمایان است و اگر دچار چالشی شود، «درد» یا «التهاب» که سامانه‌های هشدار تن محسوب می‌شوند به کار می‌افتد. اگر هر کدام از بخش‌های این ساختار (بافت یا اندام) دچار آسیب یا ناکارآمدی شود یا کارکرد هر کدام از دستگاه‌های بدن کم یا زیاد شود، ولی گویم بهداشت تن دچار مسأله یا تن دچار بیماری شده است. باین همه، برخی بیماری‌ها یا نبود بهداشت تن نشانه‌هایی کم پیدا و پیچیده دارند. اگر تن را زیرساخت فیزیکی یا سخت‌افزاری بدانیم، روان زیرساخت و سازمان نرم‌افزاری هستی هر کسی است. وضعیت روان ناشید که این سازمان نرم‌افزاری، یعنی روان، کاره ندادنی است، از بهداشت تن اثر می‌گیرد و بر رفتار، نمود‌های تنی و چهره‌ای، احساس و انگیزه‌ها و شناخت آدم اثرگذار است. وضعیت روانی ما چگونگی رابطه با دیگران را هم رقم می‌زند. همان‌گونه که از مفهومی به نام قدرت و انرژی بدن سخن می‌گوییم، می‌توان از توان روانی یا همان انرژی روانی نیز سخن گفت. میان تن و روان پیوند و تعاملی تنگاتنگ وجود دارد و بهداشت تن و روان بر یکدیگر اثرگذار هستند.

▲ **در این مورد ادامه دهید که چه عواملی باعث تقویت روان انسانی خواهد شد؟**

بالتنگی یا رشد روان یا توسعه این نرم‌افزار نیازمند زیرساختی هم‌زنتیکی و هم‌پرورشی، خوراک و ورزشی دارد که در تنهایی این نیازها برآورده نمی‌شود و به بودن دیگران وابسته است. پرورش و بالندگی روان وابسته به «تعامل با آدم‌های دیگه» است. وضعیت بهداشت روانی آدم‌های پیرامون بر روند گسترش سازمان روانی فرد اثر می‌گذارد. به زبان ساده، اگر آدم‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم حال خوب داشته باشند، توان روانی و مهارت‌های روان‌شناختی سازنده داشته باشند و از مهارت‌های پیچیده‌تر مانند مهارت‌های شناختی مانند حل مسأله، برنامه‌ریزی، ارزیابی و سنسجش، هم‌دلی و رواداری برای روبه‌رو شدن با چالش‌ها بهره‌گیرند، ما هم زندگی سازنده‌ای می‌توانیم داشته باشیم. در این مورد باید اضافه کنم که البته همه عامل‌های اثرگذار بر بهداشت روان در اختیار ما نیستند، ولی برخی عامل‌هاست که می‌توان برای زندگی روان‌شناختی خوب و شایسته تنظیم کرد. رواداری و حل مسأله بهتر انجام می‌شود و فراوانی و شدت کزکاری روانی و فرسودگی روان کمتر خواهد بود. در برابر آن، آشوب سپهر اجتماعی، ناآرامی و پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصادی و شرایط ناپایدار و ناروشن به بالندگی روانی کودکان و نوجوانان و بهداشت روان بزرگسالان آسیب می‌زند. فشارهای زیاد، پیچیده و طولانی موجب می‌شود با فشار و تنش بر روان، زمینه‌های زنتیکی و آسیب‌پذیری‌های روانی فعال شود. از جمله عامل‌های آسیب‌رسان به سازمان روانی افراد، مصرف داروها، گیاهان و نوشیدنی‌های دارای ماده اثرگذار محرک یا مخدر، جادویی یا توهّم‌زا (برداشت‌شده از گیاهان، قارچ‌ها یا مواد طبیعی یا فرآورده‌های آزمایشگاهی و شیمیایی) هستند. بسیاری از این ماده‌ها با یک‌بار استفاده نیز به ساختار روانی فرد آسیب برگشت‌ناپذیر می‌زنند، زیرا سامانه مغز و یاخته‌ها و راه‌ها و پیوندی مغز را درگروان می‌کنند.

▲ **در نشست اخیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون بهداشت وزارتخانه بر پایه گزارش پیمایش‌ها به آمار ۲۵ درصدی اختلال روان در میان جامعه ایرانی اشاره کرد در این مورد بفرمایید که این درصد به شرایطی را نشان می‌دهد؟**

در این مورد باید گفت که اختلال‌های روان دسته‌های گوناگون دارد: اختلال‌های خلق و خو، اختلال‌های اضطرابی، اختلال‌های

آشوب سپهر اجتماعی، ناآرامی و پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصادی و شرایط ناپایدار و ناروشن به بالندگی روانی کودکان و نوجوانان و بهداشت روان بزرگسالان آسیب می‌زند

شخصیت، اختلال‌های سلوک، اختلال‌های وسواسی – جبری، اختلال‌های روان پریشی، اختلال‌های تبدیلی (بدنی‌سازی) و... همگی کزکاری یا اختلال روان به‌شمار می‌روند. همان‌گونه که سرشماری و سنسجش‌های دوره‌ای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و پرآکندگی جمعیت در کشور بایسته است، باید سنسجش و پایش ملی بهداشت روان را نیز در برنامه ملی بگنجانیم. برخی اختلال‌های روان بیش‌تر زمینه زنتیکی دارند، برخی بیماران روان ناتوان از زندگی روزمره در جامعه هستند، وظیفه حاکمیت و جامعه تارک زندگی شایسته برای آنها است. از برخی دیگر می‌توان با آموزش اثربخش و پرورش بهداشت روان از پیچیده‌تر شدن آسیب پیشگیری کرد و برای بسیاری از اختلال‌ها امکان کاهش، درمان و پایش فراهم نمود. به گزارش‌های منظم و دوره‌ای روشن‌تر و دقیق‌تر از وضعیت روان‌شناختی و بهداشت روان در کشور نیاز داریم و بیش و بیش از همه، به آگاه شدن مدیران کلان ملی، مدیران سازمان‌ها و انجمن‌ها و حزب‌ها، چون اقدام ملی نیازمند آگاهی مشترک از مسأله و همکاری است. دستکم یک دهه است به خانه احزاب، حزب‌ها، سازمان‌های گوناگون و پارسال به رئیس‌جمهور دکتر پزشکیان پیشنهاد چنین اقدام ملی را مطرح کرده‌ام.

▲ **ریشه این اختلال‌های روانی را در کجای می‌بیند؟**

بسیاری از چالش‌های ما برخاسته از اختلال‌ها و کمبود مهارت‌های روانی و کاستی در بهداشت روان فرد یا افرادی از جمله خودمان است که خانواده، دوستان، کار، سازمان و جامعه را دچار مسئله کرده است. از سوی دیگر، توجه کنیم که بسیاری از دردها از جمله درد روان و رنج روانی فرد را نمی‌توان دید و برای همین، کار در زمینه بهداشت روان دشوارتر است. ما بسیاری از اوقات رفتارهای یکدیگر را از دید خود تفسیر می‌کنیم و واکنش نشان می‌دهیم، در حالی که چه بسا برخاسته از درد یا آسیبی در خود‌آگاه یا ناخودآگاه فرد یا پیش‌زمینه درگیرکننده یا فشار روانی ناپدینی باشد که او تحمل می‌کند.

▲ **با توجه به شرایط وضعیت آگاهی جامعه در این رابطه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

جامعه امروز ما نسبت به بایستگی بهداشت روان و بهره‌گیری از خدمت تخصصی روان‌پزشک، روان‌شناس و روان‌درمان‌گر آگاه‌تر از گذشته است ولی گران بودن نرخ این خدمات برای بیش‌تر مردم خود یک مسأله است و نیازمند اقدام جامع ملی است. اینها را می‌گوییم که زودتر کار اثربخشی کنیم؛ نباید ناامید شد. اینکه کاستی‌ها زیاد هستند را می‌توان فرصت‌طلایی برای انجام کارهای پایه، ماندگار و اثربخش دید. در این مورد باید اضافه کنم که هدف از نام‌گذاری روز جهانی بهداشت روان و هفته بهداشت روان که در ایران و در هفته انتهای مهرماه فعالیت‌هایی در این مورد انجام می‌گیرد، برای بافشاری بر توجه به روان به مثابه سازمان نرم‌افزاری زندگی هر فرد، عامل‌های اثرگذار بر روان و بایستگی پرداختن به پرورش روان‌شناختی و بهداشت روان تنی و اجتماعی و امسال با تأکید بر نوجوانان انجام شده است. آسیب‌های روانی و بدنی و

بسیاری از چالش‌های ما برخاسته از اختلال‌ها و کمبود مهارت‌های روانی و کاستی در بهداشت روان فرد یا افرادی از جمله خودمان است که خانواده، دوستان، کار، سازمان و جامعه را دچار مسأله کرده‌است

پرورشی در دوران کودکی و نوجوانی بر آینده روانی و اجتماعی فرد اثر ژرفی خواهند داشت. به‌ویژه چون نوجوانی گام‌گاه (مرحله) جهش و گذار به دنیای بزرگسالی است. توان‌افزایی از راه آموزش و دسترسی به خدمت تخصصی، فراهم ساختن گذار امن و فضا برای جست‌وجگری و خودآرایی و حفاظت از بهداشت جوانان بر دوش مدیران و بزرگ‌ترهای جامعه است. فرزندپروری شایسته و آگاهانه نقش پیشگیرانه و برجسته‌ای در کاهش آسیب‌های روان در میان نوجوانان و جوانان دارد.

▲ **خانواده چه نقشی می‌تواند در بهبود شرایط روانی ایفا کند؟**

بسیاری از ناپساامانی‌های روان‌شناختی ریشه در خانه و خانواده‌های ناآگاه، غیرمسئول، آسیب‌رسان و پرمسأله دارند. اگر پدر و مادر ناآگاه نسبت به زمینه‌های آسیب‌پذیری زنتیک فرزند، کار خود را به فراهم ساختن نیازهای نخستین مانند خوراک، خانه و پوشاک و نیازهای فیزیکی و تأمین امکانات بسند کنند، دیگر تعارض‌های میان خود باشند، تمرکز بر فرزندپروری نداشته باشند، سازمان شخصیت، هویت و روان فرزندان پرورش همه‌جانبه نخواهد یافت یا هزینه روانی گزاف به فرد تحمیل می‌شود. برنامه جامع اقدام برای بهبود بهداشت روان در کشور با بهبود آگاهی از وضعیت افراد می‌عامل‌های اثرگذار بر روان، ملأک‌های بهداشت روان و بایسته‌های روان پرورش و بهداشت روان خود و فرزندان می‌تواند یک سرمایه‌گذاری بزرگ برای جامعه باشد. ما به آموزش فراگیر مهارت‌های بهداشت روان در همه سطوح نیاز داریم. باید به این مورد هم اشاره کنم که گام نخست می‌تواند تمرین‌های ساده و کوتاه‌مدت و مکرر و سخت‌کوش و زیرو و تمرین‌های پر تلاش و پیگیر، در درک متقابل یکدیگر، هم‌دلی، رواداری و پذیرش آسیب‌پذیری روانی هر کدام از ما باشد. همین که اگر کسی رافروخته یا دچار تنش شده، فضای ارتباط را پرتنش‌تر نکنیم، او را به مثابه یک انسان ببینیم نه یک دستگاه مکانیکی با دستگاه و ضمن پاسداری از خود، در برابر دیگری خویشتن دارانه رفتار کنیم، اگر رفتار تندی سر زده یوزش خواهی کنیم و از سوی دیگر، در برابر این پوزش، به جای قدرت‌نمایی بیاموزیم که در فضای پرفشار همه ما در خطر هستیم؛ از یک‌دیگر و سرریزهای روانی همدیگر وارد ارانه مراقبت خواهیم کرد. بهداشت روانی را موضوعی لوکس نبینیم؛ بهداشت روانی بنیان توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

▲ **اگر موافق باشید به موضوع روز که به نظر برای جامعه هم حاشیه‌ساز شده بپردازیم. در این شرایط حساس شاهد دعوا و جدال بین چهره‌های سیاسی هستیم این روند چه تأثیری بر بهداشت روان جامعه خواهد گذاشت؟**

چنانکه در همین گفت‌وگو اشاره شد، بالندگی یا رشد و پرورش هم به عامل‌های درون فردی از جمله توانایی یا ناتوانی‌های سرشتی یعنی زنتیک، خلق و خو و انعطاف فردی وابسته است و هم به عامل‌های میان فردی و بیرونی از جمله تعامل‌ها، سرپرستی و پرورش، پذیرش و هم‌دلی، توجه متقابل و همکاری و فضای اجتماعی بستگی دارد. به سخن دیگر، بالندگی و گسترش توانایی‌های روانی یا از آن سو آسیب‌های روانی وابسته به پرورش دهنندگان، گروه و محیط نیز هست. هرچه محیط، که دربردارنده فضای فیزیکی یعنی آب، خاک، هوا، منابع فیزیکی، گروه‌های پایه مانند خانواده و همسالان، و گروه‌های مرجع اجتماعی مانند رسانه، چهره‌های هنری و فرهنگی و حکمرانان و چهره‌های سیاسی هستند، پرتنش‌تر، ناپایدارتر و ناسازگارتر باشد، آسیب جدی به بهداشت روانی افراد می‌زند و مانع بالندگی همه‌جانبه و زندگی رضایت‌بخش مردم خواهد بود. تنش مزمن و فرازنده از یک سو به روان آسیب می‌زند و از سوی دیگر، روبه و منش و رفتار سیاست‌مداران و چهره‌های مطرح جامعه به مانند الگوی در جامعه بازتولید می‌شود. اگر این روبه و منش باغانه، خردمندانه و همراه با توجه مشفقانه به دیگران باشد، فضای کلی جامعه نیز می‌تواند اعتماد و التهاب کمتری تجربه کند. روان‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی سیاست‌مداران و بهداشت روان در سیاست موضوع مهمی است. بیست سال است بر این مهم بافشاری می‌کنیم و باز هم تکرار می‌کنیم که اصلاح و بهبود سیاسی، اقتصادی و فرهنگی – اجتماعی نیازمند توجه به بهداشت و درمان روان‌شناختی همه ما، از مدیران حاکمیت و احزاب و انجمن‌ها تا پدنه جامعه است. به یک برنامه اقدام جامع بهداشت روان باید توجه کنیم.

دعوای جناحی درآینه نقد

هشدارها با لا گرفت

در چند ماه اخیر کشور با شرایطی پیچیده مواجه بوده است؛ شرایطی که هم از سوی تهدیدهای نظامی و سیاسی خارجی و هم از ناحیه التهاب‌های داخلی، جامعه را در معرض فشار قرار داده است. چند روزی نیز است که سیاست داخلی کشور شاهد جدال‌های شخصی و حزبی است؛ از واکنش محمد باقر قالیباف نسبت به مواضع حسن روحانی و محمد جواد ظریف تا اظهارات تند رسایی خطاب به فائزه هاشمی و آذر منصوری، حضور احمد میدری در بهارستان که به ماجاله کلامی میان وزیر کار و رئیس مجلس انجامید و شکایت رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت از نماینده تهران.

در چنین فضایی که آستان دعواهای فراتر جناحی است؛ علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در سخنانی که هفتم آبان در دیدار با جمعی از استادان علوم انسانی ایراد کرد، بر لزوم عبور از اختلافات داخلی تأکید کرد و گفت: «رخی از زعمای سیاسی کشور هنوز حساسیت و خطیر بودن موقعیت فعلی را درک نکرده‌اند و به راحتی با یکدیگر جدال می‌کنند. این موقف نیازمند گذشت و بزرگواری است.

نمی‌گویم حق ندارند، اما گذشت زمانی معنا دارد که حقی وجود داشته باشد. در این شرایط باید از اختلافات عبور کنیم و برای تقویت انسجام ملی تلاش کنیم.

▲ **کنار گذاشتن اختلافات**

در ادامه همین بحث و با هدف بررسی پیامدهای تشدید اختلاف‌های سیاسی، غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده پیشین مجلس و تحلیلگر مسائل سیاسی با نگاهی انتقادی به فضای حاکم بر مجلس، نسبت به پیامدهای افراط‌گرایی و نزاع‌های جناحی هشدار داد و بر ضرورت حفظ وحدت و تمرکز بر تهدیدهای اصلی کشور تأکید کرد.

غلامعلی جعفرزاده با بیان اینکه برخی از سیاسیون کرد درستی از وضعیت بحرانی کشور ندارند، تأکید کرد: به نظر می‌رسد بعضی از مسئولان نمی‌دانند در چه موقعیت حساسی قرار داریم و متأسفانه در چند روز گذشته چه در مجلس و چه در سایر عرصه‌ها شاهد بروز دعواهای جناحی بودیم.

وی در ادامه با انتقاد از نحوه مدیریت مجلسی گفت: مدیریت مجلس با آقای قالیباف است، اما متأسفانه خودش آغازگر تنش در مجلس بود.

او با اشاره به سخنان علی لاریجانی افزود: آقای لاریجانی درست گفت؛ ما در شرایط جنگی هستیم. الان در آتش پس می‌رسیم و هر لحظه ممکن است دشمن آن را بشکند، همان‌طور که اسرائیل در غزه آتش بس را شکست. در چنین شرایطی چرا باید در داخل کشور اختلاف و نزاع ایجاد کنیم؟

جعفرزاده ایمن‌آبادی با انتقاد از برخی رفتارها در مجلس گفت: این کودک‌نمایدگانی که در مجلس هستند را باید جمع کرد. مجلس مهدکودک نیست. باید چند آدم عاقل در آن حضور داشته باشند.

چطور رئیس مجلس اجازه می‌دهد به رئیس‌جمهوری که هشت سال رئیس قوه مجریه این کشور بود به مجلس توهین شود؟ این میزان بی‌ادبی پذیرفتنی نیست. کافی است نظرات مردم را بخوانید تا ببینید چقدر ناراحتند.

وی در ادامه با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: پیش از جنگ ۱۲ روزه نیز که برخی نمایندگان مجلس را شلوغ می‌کردند، هشدار دادم که این رفتارها دعوت به حمله اسرائیل است.

امروز هم می‌گویم این افراد با افراط‌گری‌های خود در حال ارسال پیام ناملی به دشمن هستند. وقتی در داخل کشور تفرقه و نزاع می‌بینند، دشمن احساس می‌کند راه برایش باز است تا به ایران حمله کند. این پالس مثبت برای اسرائیل ست.

او از شورای نگهبان خواست در بررسی صلاحیت‌ها دقت بیشتری به خرج دهد و گفت: از شورای نگهبان می‌خواهیم چند آدم وطن‌پرست را راهی مجلس کند، نه کسانی که وابسته به بیگانگان هستند.

ما سال‌ها شهید داده‌ایم تا کشوری مستقل داشته باشیم. حالا چرا باید در تریبون مجلس از روسیه دفاع شود؟ این ما را شرمساری است.

مردم و خانواده‌های شهدا ناراحت‌اند، چون احساس می‌کنند برای استقلال کشور شهید داده‌اند، اما حالا تصمیم‌ها به دست روس‌ها افتاده است.

جعفرزاده افزود: چطور ممکن است رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه از هشت سال برای کشور زحمت کشیده‌اند، به خاطر نزدیکی به روسیه مورد حمله قرار گیرند؟ اگر واقعا کشور تحویل روس‌ها شده است، تکلیف مردم را روشن کنید تا بدانند با چه واقعیتی روبه‌رو هستند.

او با تأکید بر ضرورت تمرکز بر دشمن اصلی گفت: باید به حرف آقای لاریجانی گوش داد. فعلاً اختلافات داخلی را کنار بگذارید و تفتن‌ها را غلاف کنید. دشمن اصلی ما اسرائیل است. ابتدا باید تکلیف خود را با آنها روشن کنیم، بعد به مسائل داخلی بپردازیم.

جعفرزاده در بخش دیگری از سخنانش درباره حضور وزرا در کمیسیون‌های مجلس و طرح پرسش‌ها گفت: نمایندگان حق دارند سؤال بپرسند و وظیفه‌شان پرسشگری است، اما در شرایط فعلی باید این حق را با داریت و در چارچوبی مدیریت‌شده اعمال کنند تا موجب اختلال در کار دولت نشود.

این روزها هر رفتاری که فضای سیاسی کشور را متشنج کند، در واقع به ضرر منافع ملی است. وی در پایان هشدار داد که ادامه یافتن اختلافات و تشدید درگیری‌های جناحی در مجلس، پیام ضعف و تفرقه به دشمنان کشور می‌دهد. او افزود: در شرایطی که منطقه در التهاب است، هر سخن و رفتاری باید سنجیده باشد. امروز بیش از هر زمان دیگری به وحدت، عقلانیت و مدیریت نیاز داریم